

خلاقیت در عصر کرونا

ویسلاوا شیمبورسکا، شاعر و نویسنده‌ی لهستانی، وقتی که داشت جایزه‌ی نوبل خود را دریافت می‌کرد، نکته‌ی ای درباره‌ی خلاقیت گفت که به دل می‌نشیند: «خلاقیت، هرچه هست، از یک نمی‌دانه متداوم ریشه می‌گیرد.» از گفته‌ی خانم شیمبورسکا می‌توان دریافت که کار خلاقانه با شگفتی و عدم اطمینان پیوند دارد. یعنی هرچه هنرمند از جهان بوده‌ها به جهان تازه‌ها گذار می‌کند، کارش ناب‌تر و شگفت‌آورتر می‌شود و شب‌امتمالا شما هم موافقید که آفرینش هنری یعنی پدید آوردن چیزی ناب و شگفت‌آور.

گرچه هنر با نادیده‌ها و شگفتی‌ها سر و کار دارد، اما انگار زندگی شهری امروزی انسان را واداشته تا برای همه چیز برنامه‌ریزی کند. بسیاری از ما برای فردا و برای فراهم کردن آسایش فردای خود و فرزندان مان از ناشناخته‌ها و از شگفتی‌ها گریزان می‌شویم و هرروز بیش از دیروز برای بهینه‌سازی روزهای بعدمان برنامه‌ریزی می‌کنیم. آیا با تناقضی روبرویم؟ آیا زندگی شهری ما با هنر و آفرینش هنری ناسازگار است؟ هیچ نباشد، زندگی‌های ما در غالب روزهای هفته به غایت برنامه‌ریزی شده و ترتیب بندی شده است و از پیش می‌دانیم که برنامه‌ی فردایمان چیست. همین مفهوم روزمرگی یعنی رفتن بربستن خلق از دل روز. روشن است که دیگر خلق یا زایش ما با هیزه تردید و عدم اطمینان به جوش می‌آید. پس واقعیت چیست؟ آیا هنر با زندگی شهری سر ستیز دارد؟

آن همیلتن، هنرمند آمریکایی-کانادایی این تناقض ظاهری یا به اصطلاح پارادوکس را با بیانی هنرمندانه مرتفع می‌سازد: «قوای خلاقه فقط وقتی به سراغ آده می‌آید که زرادخانه‌ی عظیم از عادات و برنامه‌ریزی‌ها و شناخت‌ها در اختیار داشته باشیم و با تکیه بر این تجهیزات، به دل ناشناخته‌ها بزنییم تا این

خلاقیت در عصر کرونا

تا این ناشناخته‌ها را مهار کنیم و به شناخت درآوریم.»

خب اگر ذره ای ناچیز، اما دهشت بار، همچون ویروس کووید ۱۹ به هستی یورش برد و عادات و شناخته‌ها و ناشناخته‌ها مان را در هم کوبید و ما را به جای تردید، به سکون و تخلیق واداشت، آنگاه چه کنیم؟ چگونه در دیگ خلاقیت خود آشی برای تخییر پخت کنیم؟ آیا میتوان از این روزهای دشوار فرصتی برای خلق پدید آورد؟

یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان رواقی، سنکا، میگوید که ما صامب هیچ نیستیم، جز زمان. در این روزها هم انگار تنها چیزی که زیاد داریم، زمان است. البته دیگر نمی‌توان همچون روزهای نخست شیوع کرونا و شهربندان گفت که تمام ساعات روز در اختیار خودمان است، باین حال، هنوز بسیاری از ما بیشتر کارهای روزانه‌ی خود را از خانه و به‌صورت آنلاین انجام می‌دهیم. خب در اختیار داشتن زمان هم یعنی امکان ترتیب دادن به عادت‌ها و دل زدن به دریای ناشناخته‌ها. درواقع عادت‌های روزمره را باید هم چون قایقی تصور کرد که بر دریای هستی شناور مانده و هنر را می‌توان به پارویی تشبیه کرد که ما را به سوی کرانه‌ای ناشناخته‌ی این دریا میبرد.

شاید بسیاری از شما شنیده باشید که می‌گویند باید با این شرایط کنار آمد و از این به بعد، زندگی ما همین است که هست. فارغ از اینکه چنین نگرشی به وضع موجود داشته باشیم یا نه، یک موضوع کاملاً روشن است: «باید خود را برای شرایطی ناشناخته آماده نگاه داریم.» همین ناشناختگی هم عاملی است برای خلق. اینجاست که هنری چون موسیقی به دلمان می‌رسد و به کمکش می‌توانیم دیگ خود را جوشان نگاه داریم و عاداتمان را همچون قایقی و

خلاقیت در عصر کرونا

و موسیقی را چون ابزاری برای پارو زدن در دریای بیکران هستی در کار اندازیم. کافی است هنرجویان و هنرمندان طرح هایی نو در اندازند و با همدیگر، از راه دور، بنوازند و بخوانند و هنر خود را همچون یکی از مهمترین ابزاری بدانند که از کران ناشناخته ها گذر میکند.